



مثنوی معنوی اقیانوسی از معارف، حکمت‌ها و آموزه‌های عرفانی است که در قالب تمثیل بیان می‌شود. قصه موسی و شبان از دفتر دوم مثنوی مولوی، گفت‌وگوی صمیمی و ساده‌چوبانی است با پروردگارش. مولانا در این قصه، شرط اصلی قُرب و رضای الهی را داشتن قلبی پاک و بی‌ریا می‌داند.

## موسی و شبان

دید موسی یک شبانی را به راه  
 کاو همی گفت: «ای خدا و ای اله  
 تو کجایی تا شوم من چاکرت  
 چارقت\* دوزم، کنم شانه سرت  
 دشت بوسم، بالم پاکت  
 وقت خواب آید، برویم جاکت  
 ای فدای تو همه بزهای من  
 ای به یادت هی هی و هی های من»  
 ۵ زمین نمط\* پهوده می‌گفت آن شبان  
 گفت موسی: «باکی است ای فلان؟»



گفت: «با آن کس که ما را آفرید

این زمین و چرخ از او آمد پدید»

گفت موسی: «های، خیره سر شدی

خود مسلمان نشده کافر شدی

این چه ژاژ\* است و چه کفر است و فُشار\*؟

پنبه‌ای اندر دمان خود فشار

چارق و پاتابه\* لایق مر تو راست

آفتابی را چنین هاکی رواست<sup>۲</sup>

۱۰. گرنندی زین سخن تو خلق را  
آتش آید بوزد خلق را  
گفت: «ای موسی، دمانم دوختی  
وزپشانی تو جانم سوختی»  
جامه را بدرید و آهی کرد تفت  
سرنهاد اندر بیابان و برفت

\*\*\*

وحی آمد سوی موسی از خدا  
بنده ما را زما کردی جدا  
تو برای وصل کردن آمدی  
نی برای فصل کردن آمدی  
۱۵ هر کسی را سیرتی بنهاده ام  
هر کسی را اصطلاحی داده ام<sup>۲</sup>  
چون که موسی این عتاب\* از حق شنید  
در بیابان در پی چوپان دوید  
عاقبت دریافت او را و بدید  
گفت: مژده ده که دستوری رسید  
هیچ آدابی و ترتیبی مجو  
هر چه می خواهد دل تنگت بگو

## توضیحات



- ۱- با چه کسی سخن می‌گویی؟
- ۲- چارق و پایبج لایق توسست؛ این چیزها کی درخور آفتاب حقیقت (خداوند) است.
- ۳- من در وجود هر کسی، خوی و عادتی قرار داده و به هر کسی شیوه‌ای آموخته‌ام تا با آن منظور و مقصود خود را بیان کند.

## خودآزمایی



- ۱- بیت زیر با کدام بیت درس ارتباط معنایی دارد؟  
هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید      بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
- ۲- در کدام بیت به آیه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء- آیه ۸۴) اشاره شده است؟
- ۳- درباره بیت «تو برای وصل کردن آمدی      نی برای فصل کردن آمدی» توضیح دهید.



یکی از آثار بزرگ و جاودان نثر عرفانی، کتاب «مرصاد العباد» اثر نجم الدین رازی «دایه» (۵۷۰-۶۵۴) از عرفای بزرگ قرن هفتم است. مؤلف، این کتاب را در بحبوحه حمله مغول در سال ۶۱۸ نگاشته و در آن به بررسی مهم ترین مسائل عرفانی پرداخته است. نثر کتاب روان و گیراست و برخی اصطلاحات عرفانی، تفسیر، آیات و احادیث، احوال، سخنان و اشعار بزرگان در آن بیان شده است. «شبیم عشق» خلاصه ای از فصل چهارم این کتاب و موضوع آن آغاز خلقت انسان است.

## شبیم عشق

مجموعه ای می بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت<sup>۱</sup> مردانه و عاشقانه در سفت\* جان کشد. حق تعالی چون اصناف موجودات می آفرید، از دنیا و آخرت و بهشت و دوزخ، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد<sup>۲</sup>. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: «إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ»<sup>۳</sup> خانه آب و گل آدم، من می سازم بی واسطه؛ که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد. پس جبرئیل را بفرمود که برو، از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور. جبرئیل — علیه السلام — برفت؛ خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک سوگند برداد: به عزت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم.

جبرئیل چون ذکر سوگند شنید، به حضرت بازگشت. گفت: خداوندا، تو داناتری. خاک تن در نمی دهد. میکائیل را بفرمود: تو برو. او برفت؛ همچنین سوگند برداد. اسرافیل را فرمود: تو برو. او برفت؛ همچنین سوگند برداد؛ بازگشت. حق تعالی عزرائیل را بفرمود: برو؛ اگر به طوع\* و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار بگیر و بیاور. عزرائیل پیامد و به قهر یک قبضه\* خاک از روی جمله زمین برگرفت.

جملگی ملایکه را در آن حالت، انگشت تعجب در دندان تحیر بماند. الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سر ملایکه فرو می گفت<sup>۴</sup>: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۵</sup> شما چه دانید که



ما را با این مشتی خاک از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟  
معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است.

روزکی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک دست کاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه نقش‌های بوقلمون بینید<sup>۶</sup>. اوّل نقش آن باشد که همه را سجده او باید کرد. پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.

از شبنم عشق خاک آدم گل شد      صد فتنه و شور در جهان حاصل شد  
سر نشتر\* عشق بر رگ روح زدند      یک قطره فروچکید و نامش دل شد

جمله ملاً اعلیٰ، کزویی و روحانی<sup>۷</sup> در آن حالت متعجب وار می نگریستند که حضرت جلّت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شبا روز تصرف می کرد. گل آدم را در تخمیر\* انداخته که «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ»<sup>۸</sup> و در هر ذره از آن گل، دلی تعبیه می کرد و آن را به نظر عنایت پرورش می داد و حکمت با ملائکه می گفت: شما در گل منگرید؛ در دل نگرید.

هم چنین چهل هزار سال قالب آدم میان مکه و طایف افتاده بود.  
چون کار دل به این کمال رسید، گوهری بود در خزانه غیب که آن را از نظر خازنان\*

پنهان داشته بود و خزانه‌داری آن به خداوندی خویش کرده، فرمود که آن را هیچ خزانه لایق نیست الا حضرت ما یا دل آدم؛ آنچه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود که به آفتاب نظر پرورده بود و به خزانه‌داری آن جان آدم شایسته بود که چندین هزار سال از پرتو نور احدیت پرورش یافته بود.

هر چند که ملائکه در آدم تفرس\* می‌کردند، نمی‌دانستند که این چه مجموعه‌ای است تا ابلیس پرتلیس\* یک‌باری گردد او طواف می‌کرد و بدان یک چشم، اعرانه\* بدو در می‌نگریست.

بس چون ابلیس گرد جمله قلب آدم برآمد، هر چیزی را که بدید از او اثری، باز دانست که چیست اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت در پیش او از سینه میدانی ساخته چون سرای پادشاهان. هر چند کوشید که راهی یابد تا در اندرون دل در رود، هیچ راه نیافت. با خود گفت: هر چه دیدم سهل بود؛ کار مشکل اینجاست. اگر ما را وقتی آفتی رسد ازین شخص، ازین موضع تواند بود و اگر حق تعالی را با این قالب سرو کاری باشد یا تعبیه‌ای دارد، درین موضع تواند داشت. با صد هزار اندیشه نومید از دل بازگشت. ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند و دست رد به رویش باز نهادند، مردود همه جهان گشت.

ملائکه گفتند: چندین گاه است تا درین مشتی خاک به خداوندی خویش دست کاری می‌کنی و عالمی دیگر ازین مشتی خاک بیافریدی و در آن خزاین بسیار دفین کردی و ما را بر هیچ اطلاعی ندادی و کس را از ما محرم این واقعه نساختی؛ باری ما ما بگوی این چه خواهد بود؟

خطاب عزت در رسید که «اتّی جاعل فی الارض خلیفة»<sup>۱۰</sup> من در زمین، حضرت خداوندی را نایی می‌آفرینم اما هنوز تمام نکرده‌ام. این چه شما می‌بینید، خانه اوست و منزلگاه و تختگاه اوست. چون او را بر تخت خلافت نشانم، جمله او را سجود کنید.

- ۱- «بار امانت» اشاره دارد به آیه ۷۲، سوره احزاب: «أَنَّا عَزَمْنَا لَأَمَّا نَنزِلُ عَلَى السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». ما امانت را بر آسمان ها و زمین ها و کوه ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را بردوش کشید. به درستی که او ستمگر و نادان بود. برخی «بار امانت» را مسئولیت، برخی ولایت علی (ع)، برخی معرفت و عرفا آن را «عشق» دانسته اند.
- ۲- در ساختن هر چیز از واسطه و وسیله ای استفاده کرد.
- ۳- من بشری از گل می آفرینم (سوره ص، آیه ۷۱).
- ۴- منظور از سر باطن و قلب است.
- ۵- من چیزی می دانم که شما نمی دانید (سوره بقره، آیه ۳۰).
- ۶- تا جلوه های گوناگون و نقش های رنگارنگ در آینه آفرینش انسان ببینید.
- ۷- موجودات عالم بالا.
- ۸- انسان را از گل خشک همچون سُفال آفرید (سوره الرحمن، آیه ۱۴).
- ۹- نویسنده، ابلیس را اعور (= یک چشم) می داند؛ چون او انسان را تنها از یک بُعد (بُعد جسمانی) می نگریست و حقیقت و عظمت روحی وی را نادیده می گرفت.
- ۱۰- من در زمین جانشینی قرار می دهم (سوره بقره، آیه ۳۰).

- ۱- با توجه به رباعی «از شبنم عشق» خاک آدم گل شد ... که در متن درس آمده، دل محصول چه چیزی است؟
- ۲- شیطان، رجیم (= رانده شده از بارگاه الهی) است؛ نویسنده علت مردود بودن شیطان را چه می داند؟
- ۳- به کمک دبیر خود غزلی از حافظ را که در آن به داستان خلقت انسان اشاره شده است، پیدا کنید.



## واژه‌نامه

### الف

اجابت : پذیرفتن، قبول کردن  
اختلاف : رفت و آمد  
ازار : لُنگ  
استخلاص : رهایی جستن، رهایی دادن، رهاییدن  
استشاق : چیزی را بوی کردن، بوییدن  
اعراض : روی برگرداندن  
اعورانه : (قید است) مثل آدم اعور : یک چشم  
إلحاح : پافشاری کردن، اصرار کردن  
امام : پیشوا، راهنما  
امام زاده : بزرگ زاده، محتشم  
امهال : مهلت دادن

### پ

پاتابه : (پایتابه)، نواری که به ساق پا پیچند.  
پرخاشخو : پرخاشجو، جنگجو  
پیراستن : زینت دادن، مزین کردن، زینت کردن  
همراه با کاستن

### ت

تاک : درخت انگور  
تتمّه : به جای مانده، باقی مانده چیزی  
تجلّی : نمودار شدن، هویدا شدن  
تجیّر : سرگشته شدن، سرگردانی  
تخمیر : سرشتن، مایه زدن  
تذرو : قرقاول، نام پرنده‌ای  
تراژدی : نوعی نوشته یا نمایش‌نامه که موضوعی غم‌انگیز دارد.  
انابت : توبه، بازگشت به سوی خدا  
اوراد : جمع ورد، دعاها  
اهمال : فرو گذاشتن، سستی کردن در کاری  
ایجاز : کوتاه گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت  
ایدر : اینجا، اکنون  
ایما : اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

### ب

بازآفره : مجازات، کیفر  
باره : اسب  
باسق : بلند  
بدیع : نو، تازه، دانشی که در آن از صنعت‌های کلام  
ترسا : نصرانی، مسیحی  
تزار : پادشاهان روسیه در گذشته  
تضرّع : زاری کردن، التماس کردن  
تضریب : فتنه‌انگیزی، دو به هم زنی  
تفاخر : به خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن

تَفَرُّس : دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست

تقریر کردن : بیان کردن، روشن ساختن

تَقْصیر : گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی

تک : دو

تک : عمق، ژرفا

تلبیس : نیرنگ، پنهان کردن حقیقت

توزی : منسوب به توز، بارچۀ نازک کتانی که نخست در شهر توز می‌بافته‌اند.

توقیع : امضا کردن نامه و فرمان

## ث

ثَقَّت (ثقه) : اعتماد کردن

## ج

جال : دام برای پرندگان، تله

جُبَّه : جامۀ گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند.

جَمَّازَه : (جَمَّاز) شتر تیزرو

جُنْحَه : گناه، بزه

جنیبت : بدک، جنیبت کش

جولاهه : بافنده، نساج، عنکبوت

جِیْب : گریبان، یقه

## چ

چارق : کفش چرمی

چاووش درداد : بانگ زد، جار زد، ندا درداد.

چنبر : محیط دایره، حلقه، قید، گرفتاری

## ح

حِبرِ رنگ : کبود رنگ، حِبر : مرکب

حَبَّه : دانه

حُقَّه : ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیای دیگر

گذارند، قوطی

حِلِیه : زیور، زینت

حمیت : مردانگی، غیرت

## خ

خازن : خزانه‌دار، نگهبان خزانه، فرشته (درس ۲۵)

خایب : ناامید، بی‌بهره

خَبِط : بی‌راه رفتن، گز رفتن

خُطُوات : گام‌ها، قدم‌ها، جمع خُطوه

خِلعت : جامۀ دوخته که بزرگی به کسی بخشد.

خَلَقَ گونه : کهنه، ژنده، پوشیده

خلیده : زخمی، زخم شده

خیلتاش : گروه نوکران و چاکران

## د

دُرَّاعه : جامۀ بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جُبَّه،

بالا پوش

دریغ : مضایقه، بی‌دریغ : بی‌مضایقه

دگنک : چماق، گرز بزرگ

دَلَّاک : موی تراش، سلمانی، کسی که در حمام مردم

را کیسه کشد.

دَوَال : چرم و پوست، یک دوال : یعنی یک لایه،

یک پاره.

دَها : زیرکی، هوشمندی

دیر : محلی که راهبان در آن عبادت کنند، صومعه

## ر

راغ : صحرا، بیابان

راهب : عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه نشین  
راهوار : تندرو، فراخ گام، خوش راه  
رای زدن : مشاوره، با کسی در کاری مشورت کردن  
رای زن : مشاور، کسی که در کاری با وی مشورت کنند.

رباط : کاروان سرا  
رب النوع : پروردگار نوع در نظر مشرکان مثلاً خدای آتش، خدای درختان.

ربیع : بهار  
رحیل : کوچ، کوچیدن  
ردا : جامه ای که روی جامه دیگر پوشند.  
رز : سم مهلک، در درس دوم سم مهلک مقصود است.

رغم : به خاک آلودن بینی، خلاف میل کسی عمل کردن، برخلاف میل، کراحت  
رند : زیرک، حیلہ گر، لالایی، آن که ظاهر خود را در ملامت دارد و باطنش سالم باشد.  
رواق : ایوانی که در طبقه دوم ساخته شود. سایبان، پیشگاه خانه  
روضه : باغ، گلزار (روضه رضوان : بهشت)

ز  
زعارت : بدخویی، بدخلقی، تند مزاجی  
ژئار : کمربندی که زرتشتیان یا مسیحیان برکم می بستند تا از مسلمانان شناخته شوند.

ژ  
ژاژ : بوته گیاهی به غایت بی مزه و هر چند شتر آن را بجود نرم نمی شود. ژاژ خاییدن کنایه از کار بیهوده کردن است.

ژکیدن : آهسته سخن گفتن در زیرلب از روی خشم و غضب، غرولند کردن

س  
ساج : درختی که چوب آن بسیار مرغوب است.  
سجایا : جمع سجه یعنی خلق و خوی و عادت نیک  
سدره : نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را سدره المنتهی گویند.

سیر : رئیس  
سطوت : حشمت، مهابت، غلبه، وقار  
سُفت : دوش، کنف  
سُقلمه : ضربه با گوشه مشت، آرنج با مشت دست که معمولاً برای هشدار دادن زده می شود.  
سلک : رشته، نخ

ش  
شاهد : زیباروی، محبوب، معشوق  
شرارت : بدی کردن، بدخواهی، فتنه انگیزی  
شیراع : سایه بان، خیمه  
شعشعه : پراکنده شدن روشنائی  
شقیقه : قسمت فوقانی خارجی استخوان سر، گیج گاه

شمایل : صورت، چهره  
شیشک : گوسفند یک ساله

ص  
صفوت : برگزیده و خالص از هر چیز  
صیانت : نگهداری

## ض

صَيِّت : زمین زراعتی

فرقدان : (دو فَرَقَد) دو ستاره راهنما در صورت فلکی

دَب اکبر در نزدیکی قطب شمال

فر : شکوه

فرهی : شکوه، شأن و شوکت و دارای فر بودن

فُشار : سخن بیهوده

## ط

طاسک : طاس کوچک، آویز طلا و نقره زینتی

طوع : فرمان بردن، اطاعت کردن

## ق

قاش : قاج، برجستگی جلو زین اسب که از چوب،

شاخ یا فلز سازند. کوهه زین، قُبّه پیش زین

قبضه : یک مشت از هر چیز

قُبّه : عمارت گنبدی شکل

قدوم : آمدن، قدم نهادن

قُریت : نزدیکی

قلیه : نوعی خوراک از گوشت، در متن درس مقصود

از «قلیه حلوا» نوعی حلوا با روغن و آرد است.

قیه : جیغ، قیه کشیدن : جیغ کشیدن به هنگام

جشن

## ع

عاکف : کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.

عتاب : خشم گرفتن، غضب، ملامت

عُصاره : آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند.

عقد : گرد بند

عَلَق : خون بسیار سرخ، خون غلیظ

علیل : بیمار، رنجور

عود : درختی است که از سوزاندن چوب آن بوی

خوشی پراکنده می شود.

## ک

کاینات : جمع کاینه، موجودات جهان

کتان : گیاهی است که از ساقه های الیاف آن در

تَساجی استفاده می کنند.

کرامت : کرم، بخشش

کُرُند : اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد.

کُرخیم : کز رفتار، بدر رفتار

کسوت : لباس

کَشَن : بغل، آغوش

کَشَن : خوش، خرم

کَهر : رنگ سرخ مایل به تیرگی (مخصوص اسب و

استر)، در این جا مطلق اسب مراد است.

## غ

غازه : گلگونه، سرخاب

## ف

فایق : برگزیده، برتر

فتراک : تسمه و دوالی که از پس و پیش زین اسب

آویزند، ترک بند

فتوت : جوانمردی، مردانگی

فَرّاش : فرش گستر، گسترده فرش

فرض : واجب گردانیدن، تعیین کردن

فرقت : جدایی، دوری

## گ

گَبر : خفتان، لباس جنگی  
 گُرازان : جلوه کنان و با ناز راه رفتن  
 گره گوری : کنایه از افراد بدبخت و سیاه بخت (کورو  
 کچل، لاغر و سیاه)  
 گز : (تیرگز) : نوعی درخت  
 گشن : انبوه، پُر شاخ و برگ

## ل

لابه : اظهار نیاز، تضرع، التماس  
 لت : سیلی. لت زدن : سیلی زدن، خدشه به کسی  
 وارد کردن  
 شده  
 مستلزم : لازم دارنده  
 مشحون : پر شده، انباشته، مملو  
 مضیف : جای ضیافت، مهمان خانه  
 مضیق : تنگنا، کار سخت و دشوار  
 مُطاع : کسی که دیگری فرمان او را می برد، اطاعت

## م

مال بند : قطعه چوبی دراز که در جلو درشکه و ازابه  
 نصب کنند و اسب ها را به دو طرف آن بندند.  
 مالیده : درمورد دستار ظاهراً به معنای خوب و  
 مرغوب است. در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتب شده  
 و در عبارت نیک بمالید یعنی گوشمال داد.  
 مباهاات : فخر کردن، نازیدن  
 مُتَصَيِّد : شکارگاه  
 متقارب : نزدیک شونده، همگرا  
 متمادی : مدت دارنده، طولانی، دراز  
 متواتر : پی در پی  
 مجلس گفتن : مجالس وعظ و پند که مشایخ صوفیه  
 برگزار می کردند.  
 مجمر : آتش دان  
 مُحاق : پوشیده شده، احاطه شده. حالت ماه در سه  
 شب آخر ماه قمری که از زمین دیده نمی شود.  
 محاورات : جمع محاوره، گفت و گوها

موزه میکائیلی : نوعی کفش

موهبت : بخشش

مهد : گهواره

مُهْمَل : کلام بی معنی و بیهوده

و

واصف : وصف کننده، ستاینده

وقیعت : سرزنش، بدگویی

هـ

هزار : بلبل، عندلیب

هزاهز : آشوب فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد.

هماورد : هریک از دوکس که با یکدیگر جنگ کنند،

حریف، رقیب

همیان : کیسه پول

ن

ناو : قایقی کوچک که از درختی میان تهی سازند.

نزه : باصفا، خوش آب و هوا

نشتر : نشتر، چاقوی فلزی نوک تیز، تیغ جراحی

نفاقه : انفاق و بخشش، آن چه صرف هزینه زن و فرزند شود.

نمط : روش، طریقه

نوش : شهد و شیرینی، گاه نوش به تنهایی به معنی

«گوارا باد» است.

نهفت : پناهگاه

ی

یال : گردن، موی گردن اسب و استر

# اعلام

اهل نیشابور بود و ابوالقاسم قشیری از مریدان اوست.  
ابوالعلائی طبیب: پزشک مخصوص سلطان مسعود  
غزنوی

ابوالقاسم قشیری: ابوالقاسم عبدالکریم بن  
هوازن بن عبدالملک از بزرگان صوفیه در قرن چهارم،  
کتاب رساله قشیریه از آثار اوست.

أحد: کوهی است در حجاز که یکی از جنگ‌های  
پیامبر در نزدیک آن روی داده است.

احمدشاه: پسر محمدعلی شاه و آخرین شاه قاجار،  
وی در دوازده سالگی بعد از خلع محمدعلی شاه به  
سلطنت رسید.

اخلاق الأشراف: کتابی است نوشته عبیدزاکانی  
شاعر و طنزپرداز قرن هشتم. این کتاب نمونه‌ای از  
طنز وی است.

ارتباط ایرانی: رمانی از علی مؤذنی نویسنده معاصر  
از آسمان سبز: مجموعه شعری از سلمان هراتی  
شاعر دوره انقلاب اسلامی

از این ستاره تا آن ستاره: مجموعه شعری از  
سلمان هراتی برای نوجوانان

اسرار التوحید: کتابی است تألیف محمد بن منور در  
شرح حال ابوسعید ابوالخیر. محمد بن منور یکی از  
نوادگان ابوسعید است.

اسفندیار: پهلوان روبین تن پسر گشتاسب، که  
سرانجام به دست رستم کشته شد.

اسکندر: اسکندر مقدونی پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی  
جانشین پدرش شد. وی در سال ۳۳۴ ق.م به عزم  
تسخیر ایران حرکت کرد. پس از جنگ‌ها و فتوحات  
زیاد از جمله شهرهای ایران در ۳۲ سالگی در بابل  
درگذشت.

اشکبوس: یکی از پهلوانان تورانی که به دست رستم

آتاتورک: پدر ترک، لقب مصطفی کمال پاشا  
(۱۸۷۸-۱۹۳۸ م) بنیان‌گذار و رهبر جمهوری ترکیه  
آتن: بزرگ‌ترین شهر یونان قدیم و پایتخت آن، امروزه  
نیز این شهر پایتخت کشور یونان است.

آغاچی خادم: خادم خاص سلطان مسعود غزنوی  
آل احمد، جلال: نویسنده بزرگ معاصر در سال  
۱۳۰۲ در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پس از طی  
تحصیلات معلم روستا شد و پس از سال‌ها مبارزه  
سیاسی و فرهنگی در سال ۱۳۴۸ در اسالم گیلان  
درگذشت. از آثار اوست، نون والقلم، غرب‌زدگی،  
مدیر مدرسه، ارزیابی شتاب‌زده و ...

آلمان: منطقه وسیعی در اروپای مرکزی، این کشور  
در جنگ جهانی دوم به دو کشور آلمان شرقی و آلمان  
غربی تقسیم شد.

آموی: نام قدیمی رود جیحون که از کوه‌های شمال  
افغانستان سرچشمه می‌گیرد. این رود سابقاً به دریای  
خزر می‌ریخته است ولی امروز مصب آن دریاچه  
آرال است.

آنا کارنینا: نام یکی از رمان‌های لئون تولستوی  
نویسنده بزرگ روس

آنجا که حق بیروز است: کتابی است از پرویز خرسند  
که درباره وقایع عاشورا نگاشته شده است.

آواز گل‌سنگ: مجموعه شعر فاطمه راکعی شاعر  
معاصر

ابلیس: شیطان، اهریمن  
ابوبکر و زاق: عارف بزرگ ایرانی در قرن سوم.  
زادگاهش ترمذ و معاصر احمد خضرویه است.

ابوالحسن بولانی: قاضی بُست در عصر سلطان  
مسعود غزنوی

ابوعلی دقاق: فقیه و عارف قرن چهارم و پنجم، وی

کشته می شود.

اصفهانی، عبدالرزاق: از شاعران اواخر قرن ششم هجری

اصفهانی، هاتف: سیداحمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم، وی به خاطر ترجیع بند عرفانی خود شهرت فراوانی کسب کرده است.

افغانی، علی محمد: رمان نویس معاصر، صاحب رمان هایی چون «شوهر آهو خانم»، «شاد کامان درّه قره سو»، «شلغم میوه بهشته» و «بوته زار»  
اکوان دیو: نام دیوی که رستم را به دریا افکند و بعد به دست رستم کشته شد.

امیر علی، قریب: از بزرگان عصر سلطان محمود که در به تخت نشاندن مسعود سهم بزرگی داشت و به وسیله مسعود اموال او ضبط و خود گرفتار شد.

امیر فجر، میثاق: داستان نویس معاصر، «فجر اسلام»، «دوقدم تا قاف»، «انسان میوه نخل» و «اشراق» از آثار اوست.

امین پور، قیصر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «در کوچه آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه های ناگهان» از آثار اوست.

آنس بن حارث: یکی از یاران امام حسین (ع) که در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

انصاری، خواجه عبدالله: پیرهرات (۴۸۱-۳۹۶هـ) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می توان به «مناجات نامه»، «نصایح»، «کنز السالکین» و «الهی نامه» اشاره کرد.

ایتالیا: کشوری در جنوب اروپا که پایتخت آن رم است.

ایوبی، صلاح الدین: قهرمان مسلمان و کرد جنگ های صلیبی (۵۸۹-۵۳۲هـ جری)

بحرین: کشوری در خلیج فارس، این کشور عربی سال ها جزء خاک ایران محسوب می شد.

بخارای من ایل من: نام کتاب محمد بهمن بیگی

نویسنده معاصر

بدر: جاهی است در نزدیکی مدینه که جنگ بدر در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفار در این منطقه رخ داد.

بلژیک: کشوری اروپایی که با هلند، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ مرز مشترک دارد.

بونصر مشکان: دبیر رسایل دربار محمود و مسعود غزنوی است که تا پایان عمر بر این سمت می ماند. وی استاد و مقتدای بییقی است و بییقی همه جای تاریخ خود از او به نیکی و بزرگی یاد کرده است.

بوسهل زوزنی: از مشاوران مسعود غزنوی است که یک چند پوشیده وزیری می کند و نتیجه هریک از دخالت های ناروای او در مسایل مملکتی به فاجعه ای می انجامد. وی مدت کوتاهی پس از مرگ بونصر مشکان سرپرستی دیوان رسایل را برعهده دارد.

بهمن: نام پسر اسفندیار که انتقام خون پدر را از خانواده رستم گرفت.

بهمن بیگی، محمد: نویسنده کتاب «ایل من بخارای من»، معاصر.

پاشایی. ع: مترجم و نویسنده معاصر، از ترجمه های او می توان به «ذن چیست؟» و «ماه نو و مرغان آواره» اشاره کرد.

پانتئون: در یونان و روم معبد خدایان را پانتئون می گفتند. بنایی که اکنون در پاریس به این نام خوانده می شود در سال ۱۷۶۴ به منظور کلیسای ریزی شد ولی بعدها محل دفن بزرگ مردان فرانسه شد.

پشوتن: نام پسر گُستاسب، طبق روایت زرتشتیان وی به دست زرتشت فنانا پذیر شد.

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابوعلی بلعمی در قرن چهارم، این کتاب اقتباسی است از تاریخ طبری، به همین سبب به ترجمه تاریخ طبری مشهور شده است.  
تاریخ جهان گشای جوینی: کتابی است تاریخی - ادبی تألیف عظاملک جوینی (۶۲۳-۶۸۱هـ) در این



کتاب حمله تاریخی مغولان به ایران تشریح شده است. تاگور، رابیند رانات تاگور: شاعر بزرگ هندی (۱۹۴۱-۱۸۶۱م). وی به اخذ جایزه نوبل نایل آمد. تحفه الاحرار: یکی از مثنوی های هفت اورنگ عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده قرن نهم تخت جمشید: محلی است واقع در مرودشت فارس، ساختمان آن در زمان داریوش اول آغاز شد، از آثار مهم تخت جمشید ارگ یا قلعه ای است که اسکندر آن را آتش زد.

تختی، غلامرضا: کشتی گیر بزرگ معاصر که به او لقب جهان پهلوان داده اند.

تزار: نام عمومی پادشاهان تزاری روسیه تدین: وی از ناطقان زبردست حزب دمکرات بود. در دوره های چهارم و پنجم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید.

تذکره الاولیا: کتابی است تألیف شیخ فریدالدین عطار در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

تذکره دولتشاه سمرقندی: شرح حال شعرا از رودکی تا قرن نهم، مؤلف آن دولتشاه سمرقندی است. وی این کتاب را در سال ۸۹۶ هجری به پایان رسانده است.

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده معروف ایرانی (۸۹۸-۸۱۷) آثار منظوم او عبارت اند از: هفت اورنگ به تقلید خمسة نظامی با نام: سلسله الذهب، سلامان و ايسال، تحفه الاحرار، سبحة الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون و خردنامه اسکندری. بعضی از آثار ثرا و عبارت اند از: نقدالتصوص، نفحات الانس، لوايح و لوامع

جبریل (جبرئیل): یکی از چهار فرشته مقرب خداوند. جبرئیل حامل وحی برای پیامبران است.

جبل الطارق: تنگه ای است بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می کند.

جنگ و صلح: رمانی است از لئون تولستوی که در

سال های ۱۸۶۴-۱۸۶۹م به رشته تحریر درآورد است. در این کتاب اوضاع اجتماعی روسیه در هنگام لشکرکشی ناپلئون بدان کشور تشریح شده است.

جنید بغدادی: ابوالقاسم بن محمد بن جنید عارف معروف و عالم دینی (۲۹۷ هـ) وی از نخستین کسانی است که درباره علم توحید در بغداد سخن گفته است. جولان: منطقه ای کوهستانی بین اردن و سوریه که غالباً نیروهای صهیونیستی به آنجا حمله می کنند.

جیحون: رودی است که از کوه های شمال افغانستان سرچشمه می گیرد و به دریایچه آرال می ریزد.

چارلزدیکنز: داستان نویس مشهور انگلیسی (۱۸۱۲-۱۸۷۰م) از آثار او می توان به رمان های دیوید کاپرفیلد، آرزوهای بزرگ و داستان دو شهر اشاره کرد.

حاتمی، علی: فیلم نامه نویس و کارگردان ایرانی حسنک وزیر: خوش نام ترین و محبوب ترین وزیر محمود غزنوی است که پس از مغضوب شدن میمندی به این سمت برگزیده می شود اما چون در جریان سلطنت مسعود غزنوی با او همدستان نیست و برادرش محمد را ترجیح می دهد از طرف دادگاه مسعود به سعایت بوسهل زوزنی به اعدام محکوم می شود. داستان اعدام حسنک شورانگیزترین بخش تاریخ بیهقی است.

حسینی، سیدحسن: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «هم صدا با خلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» از آثار اوست.

خاقان: در قدیم لقب پادشاهان چین و ترکستان بوده است.

خاقانی: افضل الدین بدیل خاقانی ملقب به حسنان العجم (۵۸۲-۵۲۰ هـ) شاعر قصیده سرای قرن ششم هجری، وی در قوت اندیشه و مهارت در ترکیب الفاظ بی نظیر است.

خدیجه: ام المؤمنین، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی

نخستین زن حضرت رسول اکرم، وی در سال سوم هجری از دنیا رفت.

خرسند، پرویز: نویسنده معاصر، «آنجا که حق پیروز است» از آثار اوست.

خواجهی کرمانی: شاعر معاصر حافظ ( ۶۸۹-۷۵۳ هـ) وی پس از کسب علم و فضایل به سفر پرداخت. خمسه‌ای به سبک نظامی پرداخته است شامل همای و همایون، گل و نوروز، روضه‌الانوار، کمال‌نامه و گوهرنامه. خواجه غزلیات شیوایی دارد.

خواجه احمد: احمدحسن میمندی وزیر محمود و مسعود غزنوی. وی مدتی مغضوب سلطان محمود واقع شد و به جای او حسنک به وزارت برگزیده شد اما در زمان مسعود با اکرام و اعزاز به وزارت رسید و تا لحظه مرگ در این سمت باقی ماند.

داستایوسکی: رمان‌نویس روسی، از آثار او می‌توان به «برادران کارامازف»، «ابله»، «خانه اموات» و «دهکده استپانچکوف» اشاره کرد.

داوود: پیامبر قوم اسرائیل، او شاعر بود و از خود کتاب مزامیر را به جای گذاشته است که به زیور معروف است.

دیریاسین: روستایی در فلسطین که رژیم اشغالگر قدس مردم آنجا و روستای کفرقاسم را قتل‌عام کرد. دیو سفید: دیوی که مویش سفید بود. در لشکرکشی کی کاووس به مازندران کی کاووس را به جادویی نابینا و دربند کرد. رستم پس از آگاهی از این موضوع پس از گذر از شش‌خان دیو سفید را کشت و جگرش را درید و از آن برای بینایی کاووس و سران سپاه ایران استفاده کرد.

راکعی، فاطمه: شاعر دوره انقلاب اسلامی، کتاب‌های «سفر سوختن» و «آواز گل‌سنگ» از آثار اوست.

رستم: پهلوان ایرانی پسر زال و رودابه که زادن او چون زندگی‌اش پر از شگفتی بود. تمام عمر پرمایه

او به پهلوانی گذشت و در تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شتافت. کاووس را دوبار نجات داد. از شش‌خان گذشت با دیو سپید جنگید. بیژن را از چاه نجات داد. کین سیاوش را گرفت و با اسفندیار جنگید. و سرانجام به دسیسه برادرش شغاد کشته شد.

رضاخان: سرسلسله پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴) از نظامیان بود و پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانده کل قوا شد و در سال ۱۳۰۴ بر تخت سلطنت نشست و در ۲۵ شهریور هنگامی که ایران در اشغال متفقین بود از سلطنت کنار رفت.

روسیه: نامی که سابقاً به امپراتوری وسیع تزار اطلاق می‌شد. کشوری وسیع (بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر) پایتخت آن شهر مسکو است. این کشور همسایه شمالی ایران است. اکثر مردم این کشور از تژادهای اسلاو هستند پس از انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۹۱۷ حکومت تزارها پایان یافت.

روضه خلد: کتابی است به تقلید از گلستان سعدی و بر همان شیوه که مجدخوافی آن را در سال ۷۳۲ نوشت و در سال ۷۳۳ در آن تجدید نظر کرد. مجدخوافی از ادیبان قرن هشتم بود که در نظم و نثر استادی کامل داشت.

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که با قلم شیوا و هنرمندانه خود آثاری چند در زمینه داستان و شرح حال آفریده است از جمله زندگی حضرت رسول اکرم با نام «پیامبر» که از بهترین آثار او به شمار می‌آید.

زابل: نام شهرهای متعددی در ساحل هیرمند بوده است که مهد خیزش حماسه‌های باستانی ایران و خاستگاه آینده موعود زرتشتیان است که از دریاچه هامون ظهور می‌کند. شهر فعلی زابل از شهرهای اخیر استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در جنوب زاهدان واقع است. مهم‌ترین رود آن

هیرمند است. این شهر در مرز افغانستان است، نام قدیم آن نیمروز بوده است. مردم آن به گویش زابلی تکلم می کنند.

**زابلستان**: ایالت زابل که در جنوب بلخ و مغرب خراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بوده و مرکز آن شهر غزنین بود. این شهر در صدر اسلام هنگام خلافت عثمان بن عفان فتح شد.

**زاکانی، عبید**: نظام الدین عبدالله مشهور به عبیدزاکانی اهل زاکان قزوین بود. وی از بزرگترین طنزپردازان ایران و از شاعران قرن هشتم است. بعضی از آثار او عبارتند از رساله دلگشا، اخلاق الاشراف و موش و گربه

**زال**: پسر سام و پدر رستم، جهان پهلوان ایرانی که پس از تولد به علت سفیدی مو از سوی پدر طرد شد و به کوه البرز برده شد. وی را سیمرغ پرورد و چون جوانی برومند شد پدر با خوابی که دید او را از کوه برگرفت. وی عاشق رودابه دختر شاه کابلستان شد و با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج رستم جهان پهلوان ایرانی شد.

**زرتشت**: پیامبر ایرانی که در آذربایجان یا ری متولد شد. وی معاصر گشتاسب پادشاه ایرانی بود گشتاسب دین او را پذیرفت و مروج آن شد. اوستا کتاب دینی او بود که شامل سروده ها (گات ها) است وی در حمله دوم ارجاسب به دست یک تورانی کشته شد.

**زرین کوب، عبدالحسین**: محقق و نویسنده بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۱ در بروجرد متولد شد. وی قلمی روان، شیوا و رسا دارد. از آثار او می توان به کتاب های «با کاروان حله»، «بحر در کوزه»، «نقد ادبی»، «بامداد اسلام»، «جستجو در تصوف»، «از چیزهای دیگر»، «نه شرقی نه غربی، انسانی»، «سزنی»، «پله پله تا ملاقات خدا» و ... را اشاره کرد.

**زواره**: پسر زال و برادر رستم و از پهلوانان کیخسرو بود که در تمامی جنگ ها یاور رستم و کارگزار وی

بود.

**ساعدی، غلامحسین**: مشهور به گوهرماد (۱۳۶۴ – ۱۳۱۴) در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد در تهران ادامه تحصیل داد و روان پزشکی شد. وی نویسنده ای پرکار بود و آثار زیادی را در زمینه نمایش و داستان از خود بر جای گذاشت چون: «چوب به دست های ورزیل»، «آی با کلاه، آی بی کلاه»، «عزاداران بیل»، «گور و گهواره»، «گاو»، «توب»، «ترس و لرز» و ...

**سامانیان**: خاندانی ایرانی که بر بخشی از خراسان و ماوراءالنهر از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ حکومت داشتند. نوح، منصور، احمد و یحیی از فرزندان اسد بودند و او فرزند سامان خدات سرسلسله این خاندان بود که ایشان سالیانی دراز حوزه این دولت را گسترش دادند. هنر و ادبیات و سایر علوم در این عصر در اوج تعالی خود بود.

**سامری**: نام مردی از قوم موسی (بنی اسرائیل) که آنان را فریفت و به پرستش گوساله زرین واداشت. وی هنگام غیبت موسی از فرصت استفاده کرد و مردم را با حيله و نیزنگ به گوساله پرستی واداشت.

**سبزواری، حمید**: حسین ممکنی متخلص به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴ در سبزواری زاده شد برخی از اشعار وی مربوط به قبل از انقلاب و بخش عمده آن مربوط به پس از انقلاب است. از مجموعه هایی که تاکنون چاپ کرده می توان به سرود سپیده و سرود درد اشاره کرد.

**سروانتس**: میکال سروانتس (۱۶۱۶ – ۱۵۴۷) نویسنده مشهور اسپانیایی که مشهورترین اثر او دُن کیشوت نام دارد. این اثر به زبان های مختلف ترجمه شده است. سروانتس زندگی پرفراز و نشیبی داشت. **سلجوقیان**: خاندانی ترک که از سال ۴۲۹ تا ۷۰۰ بر بخش عظیمی از آسیای غربی حکومت کردند. سلجوقیان در نقاط مختلف شعبی داشتند چون شام،

عراق و کردستان، روم و کرمان. در این عهد ادبیات رو به کمال رفت و شاعران بزرگی پدید آمدند.

**سلطان محمود** : ملقب به یمین الدوله (۴۲۱-۳۸۷) فرزند ارشد سبکتکین از مقتدرترین شاهان غزنوی است. وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید، ۳۳ سال حکومت کرد.

**سلطان مسعود** : فرزند سلطان محمود (۵۰۹-۴۵۲) پادشاهی کریم و دادگستر بود در سال ۴۹۳ به سلطنت رسید. دوره حکومت وی آرامشی نسبی برقرار بود. سنایی غزنوی : شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و صاحب مثنوی بزرگ حدیقه الحقیقه است. از آثار دیگر وی به «طریق الحقیق»، «سیرالعبادالی المعاد» و «کارنامه بلخ» می توان اشاره کرد.

**سندبادنامه** : از کتاب های داستان قدیم بود که موضوع آن را از موضوعات کتاب سندباد حکیم هند می دانسته اند. این کتاب ابتدا به دستور نوح بن منصور به فارسی دری ترجمه شد. ظهیری سمرقندی ترجمه ای دیگر از این کتاب کرد و ازرقی شاعر نیز آن را به نظم درآورد.

**سیاست نامه** : یا سیرالملوک کتابی است به فارسی اثر نظام الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در پنجاه فصل گرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیات چندین ساله این وزیر دانشمند است.

**سیستان** : یا سگستان نام قدیم آن زرنگ بود. این سرزمین در گذشته بسیار آباد بوده و انبار گندم ایران به شمار می رفته اما اکنون سطح کاشت کم شده است. مرکز سیستان شهر زابل است.

**سیمرخ (عنقا)** : پرنده ای افسانه ای که بر کوه البرز جا و مکان دارد. وی پرونده زالی جهان پهلوان و پدر رستم است. سیمرخ همواره حامی خاندان زال بود. این پرنده افسانه ای جز در اسطوره های حماسی، در عرفان و ادب و هنر، نیز به گونه های مختلف وارد شده است.

**شریعتی، علی** : دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۱۲) فرزند استاد محمدتقی شریعتی اهل مازینان نویسنده، متفکر و جامعه شناس معاصر بود که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در مشهد تحصیلات عالی را در فرانسه و در رشته تاریخ و جامعه شناسی مذهبی پایان برد. سرانجام در سال ۱۳۵۶ به شهادت رسید. از جمله آثارش می توان به «فاطمه فاطمه است»، «کویر»، «هبوط»، «مسئولیت شیعه بودن» و ... اشاره کرد.

**شکسپیر، ویلیام** (۱۵۶۴-۱۶۱۶م) : بزرگ ترین شاعر درام نویس انگلستان. وی کار خود را با بازی گری در گروه «بازی گران مخصوص ملکه» و نمایش نامه نویسی آغاز کرد و به عنوان بازیگری بزرگ شهرت یافت. وی را پدر نمایش نامه نویس انگلستان شمرده اند. شکسپیر موضوع بسیاری از نمایش نامه هایش را از تاریخ روم باستان گرفته و سبک او به مکتب کلاسیسم تعلق دارد.

**عراقی، فخرالدین** (۶۱۰-۶۸۸) : از عارفان و شاعران نام آور قرن هفتم است. در همدان متولد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت و در خدمت هجده سالگی به مولتان هندوستان رفت و در خدمت شیخ بهاء الدین زکریا به سلوک پرداخت و چند سال بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قونیه به مجلس شیخ صدرالدین قونیوی راه یافت و کتاب لمعات را در آن جا نوشت. وی در دمشق درگذشت.

**علی پور، مصطفی** : از شاعران معاصر، مجموعه شعر «از گلوی کوچک رود» از آثار اوست.

**عطار** : شیخ فریدالدین (۶۱۸-۵۴۰) شاعر و عارف معروف ایرانی است. گفته اند پدر او عطار (داروفروش) بود و فریدالدین کار او را دنبال کرد. وی پس از انقلاب باطنی، چون سرمایه ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه های عرفانی خود را به نظم درآورد. وی آثار بسیاری به وجود آورده که تذکرة الاولیا، منطق الطیر و الهی نامه و ... از آن

جمله است.

عَمَّان: دریایی است منشعب از اقیانوس هند، در جنوب پاکستان و ایران و مشرق شبه جزیره عربستان که به وسیله تنگه هرمز از خلیج فارس جدا می گردد. غدیر خم: آبگیری است بین مکه و مدینه و از آن جهت میان مسلمانان حایز اهمّیت است که حضرت پیامبر(ص) در هنگام برگشتن از حجّه الوداع در این ناحیه خطبه ای ایراد کرد و امیر مؤمنان را به جانشینی خود برگزید.

قابوس نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر. نام قابوس نامه از نام مؤلف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی اخلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قابیل: پسر آدم و حواست. وی از قبول رأی پدر در باب ازدواج سرپیچید و کار به قربانی واگذار شد. اما قربانی او در درگاه خداوند پذیرفته نشد و همین امر خشم او را بیشتر نمود و هابیل را با سنگ بکشت. قبطیان: ج قبطی، منسوب به قبط (Egypte) سکنه قدیم کشور مصر.

قزاق: قومی از تاتار، سربازی که تحت نظر نظامیان روسی تربیت شده باشد، سرباز دوره قاجار قزوه، علی رضا: شاعر و نویسنده معاصر مجموعه شعرهای «از نخلستان تا خیابان» و «شبلی در آتش» از آثار اوست.

قشقایی: ناحیه ای است در فارس شامل نقاطی که ایل قشقایی در تابستان و زمستان در آنجا سکونت دارند، نام ایلی در فارس کابل: در قدیم به خطه ای وسیع و مرتفع که اکنون قسمت شمالی افغانستان را تشکیل می دهد، می گفته اند.

کتایون: نام مادر اسفندیار و همسر گشتاسب کسرای، سیاوش: شاعر معاصر مجموعه شعرهای:

«با دماوند خاموش»، «از قرق تا خروسخوان»، «خانگی» و «آرش» از آثار اوست.

کلئوپاترا: نام هفت تن از ملکه های مصر که معروف ترین آن ها کلئوپاترای هفتم است. وی با زیبایی خیره کننده خود قیصر و آنتیوس را شیفته ساخت و پس از مرگ آنتیوس خود را با نیش افعی کشت.

کمال الملک: ر.ک. درس کمال الملک

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

کویر: کتابی از دکتر علی شریعتی، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی درباره موضوعات مختلف است.

کیان: سلسله ای از پادشاهان ایران باستان، این سلسله بعد از شاهان پیشدادی به حکومت رسیدند.

گرگانی، فخرالدین اسعد: شاعر و داستان سرای ایرانی (فوت پس از سال ۴۶۶ هـ) منظومه ویس و رامین از آثار اوست.

گشتاسب: پسر لهراسب شهریار سلسله کیان و پدر اسفندیار بود. مهم ترین جنگ او با ارجاسب تورانی بود که به شکست ارجاسب منتهی شد. وی با کتایون دختر قیصر روم ازدواج کرد. گشتاسب دین زرتشتی را پذیرفت.

مرزبان نامه: کتابی است شامل داستان ها و حکایت هایی به زبان حیوانات با محتوایی پندآمیز که مرزبان بن رستم از شاهان طبرستان آن را در اواخر قرن چهارم به زبان قدیم طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم سعدالدین وراونی آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای تثری مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است.

مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد: این کتاب در علم تصوف، اخلاق و آداب معاش و معاد است

که نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه آن را به نام علاء‌الدین کیقباد پادشاه سلجوقی در سال ۶۲۵ تألیف کرده است. ثر کتاب گاهی ساده و مرسل و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات، احادیث و آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.

**مظفرالدین شاه:** پنجمین شاه قاجار و پسر ناصرالدین شاه است. وی در پنج سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و به مدت چهل سال ولیعهد و حاکم آذربایجان بود. چندبار به اروپا سفر کرد و برای تأمین مخارج آن دوبار از روس‌ها قرض گرفت و در عوض گمرک شمال و شیلات دریای خزر را به روس‌ها واگذار کرد. وی در سال ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و در همان سال قانون اساسی را امضا کرد و پنج روز پس از آن دنیا رفت.

**منطق‌الطیر:** منظومه‌ای عرفانی و از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در ۴۶۰ بیت است. در این اثر افکار عرفانی و شیوه سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. این کتاب از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفت‌وگوی پرندگان، حکایت‌ها و تمثیل‌های شیرین آورده است.

**مولوی:** مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاء‌الدین محمدبن حسین الخطیبی معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگ‌ترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. وی در کودکی در نیشابور با عطار ملاقات داشت که طی آن عطار کتاب اسرارنامه خود را به مولوی اهدا کرد. آثار او عبارت‌اند از «مثنوی»، «دیوان شمس»، «فیه مافیه»، «مجالس سبعه» و «مکاتیب».

**ناصرالدین شاه:** پسر محمدشاه قاجار بود. در سال

۱۲۶۴ پس از مرگ پدرش در تبریز به سلطنت رسید. حدود پنجاه سال سلطنت کرد و در ۶۶ سالگی به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب گلوله طپانچه به قتل رسید. در ابتدای سلطنت به یاری امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات زد و چندبار به اروپا سفر کرد. **نجم‌الدین رازی:** معروف به نجم دایه از عارفان مشهور دوره مغول (قرن هفتم) است معروف‌ترین اثر او مرصادالعباد به ثر است. او در قونیه با مولوی ملاقات داشته است. وی علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سروده به خصوص به سبک سنایی گرایش فراوانی داشته است.

**ناصر خسرو:** حکیم ابومعین ناصربن حارث قبادیانی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ به دنیا آمد ناصرخسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «زادالمسافرین»، «وجه دین»، «خوان اخوان» و ...

**نصرالله منشی:** نویسنده و مترجم توانای کلیله و دمنه است. وی در دوره دوم حکومت غزنویان در دربار بهرام شاه این کتاب معتبر را از عربی به پارسی سنجیده و مزین ترجمه کرد.

**نظامی گنجینه‌ای:** نظامی از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران در قرن ششم است. وی بیشتر عمر خود را به عزلت و انزوا گذرانده است و به همین دلیل رفتارش با سلاطین بسیار ساده بوده و پادشاهان برای او احترام زیادی قایل بودند. آثار او عبارت‌اند از: «مخزن‌الاسرار»، «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین»، «هفت پیکر» یا «بهرام نامه»، «اسکندرنامه». نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند. نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است.

ویس و رامین : از داستان های قدیم فارسی  
و منسوب به دوره اشکانیان است. فخرالدین  
اسعدگرانی شاعر قرن پنجم این داستان را به خواهش  
خواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان

به نظم کشیده است. سبک آن ساده، روان و به دور  
از مغلق گویی است. لغات عربی نامأنوس بسیار کم  
دارد و لغت های کهنه فارسی زیاد در آن دیده می شود.

## منابع

- آیین‌های ناگهان، قیصر امین پور، نشر افق، تهران، ۱۳۷۵.
- آنجا که حق پیروز است، پرویز خرسند.
- ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، مؤسسه فرهنگی ماهور، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- از گلوی کوچک رود، مصطفی علی پور، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
- از نخلستان تا خیابان، علیرضا قزوه، نشر همراه، ۱۳۶۹.
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، به تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- الفبای باران، وحید امیری، تهران.
- انواع ادبی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله رشد ادب فارسی، ش ۳۳ و ۳۴.
- با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، جاویدان.
- بخارای من، ایل من، محمد بهمن بیگی، چاپ چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- پیامبر، زین العابدین رهنما، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۵.
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰.
- تپه برهانی، حمیدرضا طالقانی، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- تذکره دولتشاه سمرقندی (تذکره الشعرا) چاپ هند، ۱۳۰۵ هـ. ق ترجمه رساله قشیریه، ابوعلی عثمانی، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- تنگسیر، صادق چوبک، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲.
- خمسۀ نظامی، به تصحیح وحید دستگردی، تهران، انتشارات علمی.
- داستان داستان‌ها، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، نشر آثار، پاییز ۷۶.



- دری به خانه خورشید، سلمان هراتی، تهران، سروش.
- دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار، ۱۳۶۹.
- دیوان خاقانی، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران، زوار، ۱۳۶۹.
- دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، کتاب فروشی محمودی، ۱۳۳۶.
- دیوان هاتف اصفهانی، تصحیح وحید دستگردی، انتشارات فروغی، ۱۳۴۵.
- دیوان ناصر خسرو قبادیانی، به تصحیح دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران.
- رجعت سرخ ستاره، علی معلم، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- روان های روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، یزدان، ۱۳۶۳.
- روضه خلد، مجد خوافی، به کوشش حسین خدیوچ، کتاب فروشی زوار، ۱۳۴۵.
- سرود سپیده، حمید سبزواری، تهران، انتشارات اطلاعات.
- سندبادنامه، ظهیری سمرقندی، به اهتمام احمد آتش، تهران، کتاب فروزان، ۱۳۶۲.
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، چاپ مسکو، آکادمی علوم شوروی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران، نشر داد، ۱۳۷۴.
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات شفا، ۱۳۶۴.
- غزلیات سعدی، به کوشش حبیب یغمایی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- غزلیات شمس، (۱۰ جلد)، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهنگ ادبیات فارسی، زهرا خانلری، انتشارات توس، ۱۳۶۶.
- فرهنگ فارسی، (۶ جلد)، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر.
- کلیات اشعار شهریار، (۵ جلد)، تبریز، سعدی، ۱۳۶۴.
- کلیات عبید زاکانی، به تصحیح پرویز اتابکی، تهران، زوار، ۱۳۴۳.
- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- کویر، دکتر علی شریعتی، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۴۹.
- گلستان، سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸.
- لطایف الطوائف، فخرالدین علی صفی، به تصحیح احمد گلچین معانی، تهران، اقبال، ۱۳۳۶.
- لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۴۵.
- مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی، به تصحیح رینولد الین نیکلسون، در سه جلد، نشر

مولی، ۱۳۷۵.

مجموعه آثار علی حاتمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.

مرصاد العباد، نجم الدین رازی، تصحیح محمد امین ریاحی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

منطق الطیر، عطار نیشابوری، به اهتمام سید صادق گوه‌رین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲.

ویس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران، اندیشه، ۱۳۳۷.

هفت اورنگ، عبدالرحمن جامی، انتشارات سعدی، تهران، ۱۳۳۷.

همصدا با خلق اسماعیل، سید حسن حسینی، انتشارات حوزه هنری.

یادنامه بیهقی، مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳/۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری